اخبار فرهنگی

جلوگیری از پخش سریال «حشاشین» در شبکه نمایش خانگی

از پخش سریال «حشاشین» در شبکه نمایش خانگی جلوگیری شد. به گزارش ایلنا، رئیس سازمان صدا و سیما در این باره گفت: ساترا مسئولیت دارد که جلوی هر آنچه که محتوای تحریف شده است و به فهم و درک اجتماعی لطمه می‌زند و افکار عمومی را منحرف می‌کند را بگیرد، باید تنظیم‌گری و نظارت کند. پیمان جبلی در پایان جلسه هیات دولت دیروز در جمع خبرنگاران افزود: به نظر ما سریال حشاشین بر اساس واقعیت نیست بلکه بر اساس تحریف تاریخ اتفاق افتاده به همین خاطر هم ساترا برای پخش آن به سکوها تذکر داد و سکوها هم در همین راستا اقدام کردند.

مصطفی معین:
۶۰ تا ۷۰ درصد جامعه به صداوسیما بی‌اعتماد هستند

استاد بازنشسته دانشگاه تهران و وزیر علوم در دولت اصلاحات، با اشاره به نتایج «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» گفت: یکی از نتایج این پیمایش بی‌اعتمادی به رسانه‌ها بود، حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد جامعه به‌صورت زیاد و خیلی زیاد به رسانه‌ها و از جمله صداوسیما بی‌اعتماد بودند. به گزارش رویداد۲۴ مصطفی معین، افزود: همین حدود، یعنی ۶۰ تا ۷۰ درصد به نهادهای حاکمیتی بی‌اعتمادی وجود دارد، البته وضعیت مجلس از دولت بدتر بود. طبق این پژوهش بیشترین اعتماد به پزشکان و کمترین اعتماد به سیاستمداران است. به گفته وی، در این پیمایش مشخص شد که بی‌اعتمادی در سطح عمومی ۸۱ درصد است، یعنی ۸۱ درصد افراد جامعه نسبت به یکدیگر اعتماد ندارند.

رامین حسین‌پور بهترین آهنگساز فستیوال لس‌آنجلس شد

جایزه بهترین آهنگساز فستیوال آمریکایی به رامین حسین‌پور و ویدئو آرت «صورتگر» رسید. به گزارش ایلنا، رامین حسین‌پور نویسنده و کارگردان و کانسپچوال آرتیست و آهنگساز ویدئو آرت «صورتگر» برنده جایزه بهترین آهنگساز از فستیوال جهانی «LA Sun Film Festival» لس‌آنجلس آمریکا در ماه آوریل سال ۲۰۲۴ شد. این جشنواره ۲۶ امین دوره خود را پشت سر گذاشت. هدف این جشنواره ارائه یک فرصت بین‌المللی به فیلمسازان مستقل و حمایت از آن‌هاست. ویدئو آرت «صورتگر» به نویسندگی، کارگردانی و آهنگسازی رامین حسین‌پور همچنین برنده بهترین انیمشین متحرک از فستیوال روسیه، بهترین مستند کوتاه و فیلم تلفیقی -تجربی از فستیوال نوجرسی آمریکا، بهترین فیلمنامه مستند از فستیوال تاتنهام، نشان افتخار بهترین کارگردانی لندن و بهترین ویدئوی تلفیقی جشنواره هنری برلین شد.

رقابت «لوتریا» در آلمان و اسپانیا

فیلم سینمایی «لوتریا» آخرین ساخته علی عطشانی برای حضور در بخش مسابقه جشنواره فیلم آلمان (GIFF) و جشنواره فیلم اسپانیا(SIFF) انتخاب شد. به گزارش مشاور رسانه‌ای بیتافیلم، فیلم سینمایی «لوتریا» به کارگردانی علی عطشانی و تهیه‌کنندگی مشترک مهدی منیری، مهدی منصوری، رعنا نبوی، حامد فیضی دیزجی، صدرا درودیان همایونی، کسری درودیان همایونی در چهل‌ودومین و چهل‌وسومین حضور بین‌المللی خود در بخش مسابقه جشنواره فیلم آلمان Germany International Film Festival و جشنواره فیلم اسپانیا Spain International Film Festival با آثاری از سراسر جهان رقابت می‌کند. اختتامیه جشنواره فیلم آلمان ۳۰ ژوئن در برلین و اختتامیه جشنواره فیلم اسپانیا ۱۵ می در مادرید برگزار می‌شود. فیلم سینمایی «لوتریا» که سال گذشته در مکزیک ساخته شده است، تاکنون بیش از ۱۰ جایزه در بخش بهترین فیلم و بهترین کارگردانی جشنواره‌های مختلف بین‌المللی کسب کرده و در فستیوال‌های متعدد جهانی حضور داشته است. فیلمنامه «لوتریا» بر اساس یک داستان واقعی و نوشته علی عطشانی و محمود رضا ثانی است.

درباره «فین جین» به کارگردانی محمود موسوی

نمایشی از قتل امیرکبیر به روایت جمعی از جنیان و آدمیان

عکس‌ها: رضا معطران - رضا جاویدی

محمدحسن خدایی

سرگذشت تلخ میرزا تقی خان امیرکبیر استعاره‌ای است از تاریخ پر فراز و نشیب ایران معاصر و فرآیند مدرنیزاسیون قناس و ناقصش. جامعه سنتی ایران در مواجهه با مدرنیته جهانی، بیش از آن که دست به انتخاب آگاهانه بزند کمابیش مورد هجوم خشونت‌آمیز دولت‌های استعمارگر قرار گرفت و روند توسعه‌اش مدام به تعویق افتاد و در چهارراه حوادث، بدل به اقلیمی پر از تناقضات عجیب و غریب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد. برای مثال در دوران پهلوی اول، شاهد هستیم که چگونه ایران خسته از مرارت‌ها، زیر بار سنگین تجدد آمرانه، رشدی شتابان اما نامتوازن به خود گرفت و ترکیب شگفت‌انگیزی از تضادهای قدیم و جدید شد. مسیری که در دوران پهلوی دوم و سلطنت محمد رضا ادامه یافت و یک نظام اداری گسترده اما فَشَل را نصیب مردمان ایران کرد که نتایجش تاکنون تداوم یافته است. به هر حال تاریخ ایران معاصر از این باب که هرگز نتوانست مسئله توسعه را یک‌بار برای همیشه حل‌وفصل کند دردآور و بسیار بصیرت‌افزا است. اما از بخت‌یاری ما است که تاریخ ایران را تنها به سلسله پهلوی فرونکاهیم و این نکته را مدنظر داشته باشیم که ایده پیشرفت مُلک و مملکت، چهره‌های تاثیرگذار کم نداشته و یکی از فیگورهای مهم این عرصه غرورآفرین بی‌شک امیرکبیر است. عصری که با نام او شناخته می‌شود معاصر انقلاب‌های سیاسی اروپای قرن نوزدهم و خواست عمومی مردمان برای اصلاحات اساسی و تاسیس نهادهای موثر حکمرانی است. اما با تمامی این تلاش‌ها سرگذشت غمبار امیر به درستی به ما نشان می‌دهد که در این نوجویی و نوخواهی، گارد قدیم عرصه سیاست به به خطر افتادن منافعش، علیه گارد جدید توطئه کرد و آرمان دموکراسی و توسعه را به محاق بُرد.

حال با این مقدمه به اجرای نمایش «فین جین» می‌پردازیم که این شب‌ها در سالن نوفل‌لوشاتو مورد استقبال پرشور تماشاگران قرار گرفته و بار دیگر تجربه یک اجرای خوب کمدی را فراهم کرده است. ابوالفضل حاجی علی‌خانی در مقام نویسنده، با نگاهی به ظرفیت نمایش‌های ایرانی، تلاش کرده از یک منظر تازه و حاشیه‌ای، نمایشنامه‌ای کمدی در رابطه با قتل امیر در حمام فین کاشان بنویسد. تقابل آدمیان و جنیان در موزه‌ای که به زندگی امیرکبیر در حمام فین کاشان می‌پردازد به واقع تماشایی است و در ادامه به همکاری مابین آنان بدل شده و این امکان را فراهم می‌کند که به میانجی هنر نمایش، وقایع تاریخی حمام فین کاشان از نو روایت شده و از تلخی‌اش تا اندازه‌ای کاسته شود. نکته مهم نمایشنامه «فین جین» تلفیق درام مدرن اروپایی با شیوه نمایش ایرانی است. از دل این ساخت و ساز تئاتری یک فضای هیبریدی ایجاد می‌شود که پایی در سنت نمایشی ایرانی دارد و پایی در درام مدرن امروزی. این وجه التقاطی به خوبی توانسته به شکا استعاری سرگذشت تراژیک امیر را در مدرن کردن ایران قرن نوزدهم نشان دهد. چراکه رویکرد امیرکبیر در مدرنیزاسیون ایران یک التقاط بوده مابین حفظ بعضی از عناصر هویت‌بخش سنتی و همچنین تمنای کسب دستاوردهای جهان غرب بدون آسیب‌های خانمان‌برانداز. بنابراین نمایش «فین جین» با یک فرم تلفیقی و نگاهی به سیاست‌ورزی امیرکبیر، تلفیقی است میان سنت‌های نمایش ایرانی در مواجهه با درام مدرن غربی. نمایش «فین جین» با از نو روایت کردن تاریخ معاصر ایران و استفاده از مولفه‌های آشنای نمایش ایرانی و به‌شکل توامان بکار بستن ظرفیت‌های قابل اعتنای درام غربی؛ شکلی از «همین این» و «هم آن» را با تمامی محدودیت‌های اجرایی و زیباشناختی به نمایش گذاشته است.

تقابل آدمیان و جنیان در موزه‌ای که به زندگی امیرکبیر در حمام فین کاشان می‌پردازد به واقع تماشایی است و در ادامه به همکاری مابین آنان بدل شده و این امکان را فراهم می‌کند که به میانجی هنر نمایش، وقایع تاریخی حمام فین کاشان از نو روایت شده و از تلخی‌اش تا اندازه‌ای کاسته شود. نکته مهم نمایشنامه «فین جین» تلفیق درام مدرن اروپایی با شیوه نمایش ایرانی است

یکی از نکات مثبت متن و اجرا، رویت‌پذیر کردن موجودات وهمی و خیالی است. جنیان بر صحنه ظاهر شده و شمایلی «غریب‌آشنا» دارند. گویی نه وحشت می‌آفرینند و نه به راحتی بدل به موجوداتی ملموس می‌شوند. از یاد نبریم که جنیان نقش مهمی در روایت‌های خیالی ایرانیان ایفا کرده و به قول پرویز براتی در کتاب «دیونامه»، بازیگران اصلی روایت‌های وهمناک و ماورایی ایرانیان هستند و برعکس داستان‌های هندی و مصری «در داستان‌های ایرانی، عفریتان و جنیان مستقل‌اند و با اراده خود کار می‌کنند. با مردم مهربان‌اند و برای آن‌ها دل می‌سوزانند؛ حال آن که در داستان‌های جدیدتر مصری، این موجودات شگرف، به قدرت طلسم بسته‌اند و اختیار آن‌ها در دست مالک طلسم است و خواسته‌ها و آرزوهای او را برآورده می‌کنند.» بنابراین عفریتان و جنیان در داستان‌های خیالی ایرانی استقلال عمل دارند و شریک زندگی آدمیزادگان‌اند. در نمایش «فین جین» کمابیش همین تلقی از جنیان مشاهده می‌شود و در نهایت حضور این موجودات عجیب باعث سهولت امور و آشکار شدن رازهای پیدا و پنهان تاریخی می‌شود. آن‌ها این امکان را می‌یابند که از طریق مشارکت در ساختن یک نمایش، زیست جهان جنی خویش را به نمایش گذاشته و به‌طور همزمان، مرگ امیرکبیر را از نو روایت کرده و نسبت خویش را با وضعیتی که در آن روزگار می‌گذرانند روشن کنند. برای این منظور می‌بایست آدمیان و جنیان از هویت خویش فاصله گرفته و به لحاظ هستی‌شناختی تا حدودی شبیه یکدیگر شوند. این هویت‌یابی تازه بتدریج شکل یافته و در پایان مشاهده می‌شود که هر دو گروه جنیان و آدمیان، موجوداتی تازه شده‌اند که نه به تمامی انسان محسوب می‌شوند و نه به تمامی جن. هر دو گروه از ضربه زدن به پیکر امیر در حمام فین خودداری کرده و در مقابل فرمان حاکم جائر از خود مقاومت نشان می‌دهند.

محمود موسوی در جایگاه کارگردان به خوبی توانسته از بازیگران حرفه‌ای یاری بگیرد. جنیان نمایش با بازی کسانی چون محمد هادی عطایی، الهه‌پورجمشید، محسن زرآبادی‌پور و حسین میرزاییان، به واقع با آن هیبت‌های غریب، تلاش دارند به اندازه اغراق‌آمیز باشند و دچار افراط و تفریط نشوند. به هر حال یکی از عناصر مهم نمایش ایرانی، بازی‌های اغراق‌شده و ژست‌های کلیشه‌ای مربوط به تیپ‌های اجتماعی است. با آن که در این نمایش هم گاهی این اغراق‌ها زیاده از حد به نظر می‌آید و فضای گروتسک اجرا از مدار تعادل تا حدودی خارج می‌شود اما با مدیریت و همراهی گروه اجرایی و مهارت بازیگران، اجرا به دام ابتذال نمی‌افتد. از قضا در این زمانه پر از حسرت و عسرت و ملال و ایگوهای متورم، رفتن به سمت شوخی‌های جنسی و کلامی کاری است آسان و زودبازده که می‌بایست از آن حذر کرد.

طراحی لباس بازیگران خلاقانه است و اجرا توانسته حضور جنیان را به میانجی نوع پوششی که بر تن دارند تمایز ویژه‌ای ببخشد. جالب آنکه به فراخور اجرا نوع پوشش آدمیان و جنیان تغییر کرده و گاهی مشترک می‌شود. اما طراحی صحنه می‌توانست بهتر از این باشد و آن فضای هولناک حمام فین و حضور جنیان را بیش از این تئاتری و تماشایی کند. به دیگر سخن، اجرا به لحاظ فضاسازی می‌تواند بهتر از این عمل کند.

در نهایت می‌توان خوانشی که محمود موسوی از متن نمایشنامه داشته را غنیمت شمرد و از اهمیت این شکل از اجرا دفاع کرد. چراکه بار دیگر یک گروه حرفه‌ای با اجرایی تماشایی باعث آشتی تماشاگران با نمایش ایرانی شده و به لحاظ اجرایی توانسته فرم به روز شده‌ای از آن را بر صحنه آورد. در این مسیر دشوار، بازیگرانی چون سیدجواد یحیوی، حسین شفیعی و مسعود بهارلو که نقش آدمیان را بازی می‌کنند قابل ستایش هستند. امید است در آینده شاهد آثاری باشیم که توانایی داشته باشند سنت‌های نمایشی ایرانی را با زبانی امروزی به تماشاگران ارائه کرده و اندوه زمانه را با طنزشان تاحدودی از کار بیندازند. اجراهایی که از تکنیک زن‌پوشی، پرده‌خوانی، نقالی و سیاه‌بازی نمایش ایرانی استفاده کرده و علیه جهان عبوس زورگویان تاریخ وارد عمل می‌شود. نمایش ایرانی در این دقایق است که رهایی‌بخش و تماشایی است.

می‌توان خوانشی که محمود موسوی از متن نمایشنامه «فین جین» داشته را غنیمت شمرد و از اهمیت این شکل از اجرا دفاع کرد. چراکه بار دیگر یک گروه حرفه‌ای با اجرایی تماشایی باعث آشتی تماشاگران با نمایش ایرانی شده و به لحاظ اجرایی توانسته فرم به روز شده‌ای از آن را بر صحنه آورد

پرده نقره‌ای

چگونه «مست عشق» فیلمی پرفروش، اما بی‌کیفیت از کار درآمد؟

پرداخت سطحی به مضامین عمیق

محمد تقی‌زاده

«مست عشق» پنجمین فیلم حسن فتحی است که از پنجم اردیبهشت در سینماها اکران شده و اکنون با گذشت ۶ روز به فروش ۳۲ میلیاردی رسیده است. «مست عشق»، فیلمی عاشقانه محصول مشترک ایران و ترکیه و نویسندگی فتحی و فرهاد توحیدی است. این فیلم برشی از زندگی مولوی و شمس تبریزی را با نقش‌آفرینی پارسا پیروز و فرو شهاب حسینی به تصویر می‌کشد. علاوه بر هنرپیشگان ایرانی، بازیگران ترکیه‌ای مانند بنسو سورال، هانده ارچل و ابراهیم چلیک کول نیز در مست عشق ایفای نقش کرده‌اند. سرمایه‌گذاران فیلم شرکت‌های سیمار یاودیجیتال داناتلار هستند.

با این حال، به نظر می‌رسد فیلم، علاوه بر عنوان پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی سال، گوی سبقت را از نظر فروش از فیلم‌هایی چون «هتل» و «فسیل» بربایداما از نظر کیفیت نتوانسته حتی برخی حداقل‌ها را در مقایسه با آثار پیشین فیلمساز به دست آورد و در کارنامه هنری حسن فتحی جزو ضعیف‌ترین آثار وی طبقه‌بندی می‌شود.

پرسش این است که چرا حسن فتحی با این حجم از سابقه کارگردانی و نویسندگی در سینما و تلویزیون چنین اثر ضعیفی را خلق کرده و حتی ردی از عاشقانه‌های او در آثاری چون «میوه ممنوعه» و «شب دهم» در فیلم «مست عشق» وجود ندارد؟

دلیل نخست این است که اصولا حسن فتحی در کارنامه کاری خودنشان داده که تبحر و تخصص در سریال‌سازی است و مدیوم او فیلم سینمایی نیست. نگاهی به آثار موفق او از جمله «شهرزاد فصل ۱»، «میوه ممنوعه»، «شب دهم» و «مدار صفر درجه» همه نشان‌دهنده این مهم است که آثار درجه یک و ماندگار فتحی در قالب سریال تلویزیونی یا نمایش خانگی بوده و آثار سینمایی او از «ازدواج به سبک ایرانی» و «پستچی سه بار در نمی‌زند» تا «کیفر» و همین «مست عشق» هیچ‌گاه نتوانسته‌اند توفیقات سریال‌های او را به دست آورند.

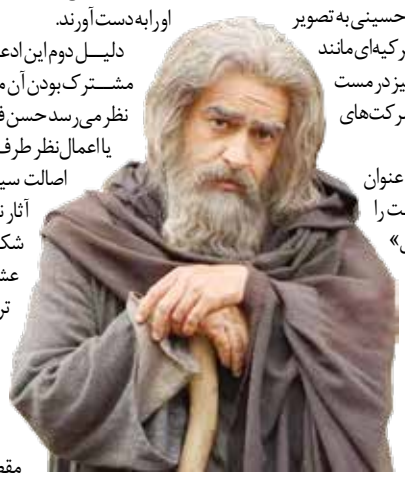

دلیل دوم این ادعا به بین‌المللی و تولید مشترک بودن آن مربوط می‌شود چراکه به نظر می‌رسد حسن فتحی تحت‌فشار، سفارش یا اعمال نظر طرف ترکیه‌ای قرار گرفته و آن اصالت سینمایی و داستانی خود در آثار نمایشی را نداشته است. شک نکنید اگر پروژه «مست عشق» بدون مشارکت با طرف ترکیه‌ای در قالب سریال در ایران توسط حسن فتحی ساخته می‌شد با اثر به مراتب بهتر و با کیفیت‌تری روبرو بودیم. مقصود نویسنده زیر سوال بردن پروژه‌های مشترک با کشورهای همسایه در جغرافیای سینمایی نیست بلکه منظور این است که این پروژه سینمایی از مشارکت با طرف ترکیه‌ای ضربه‌های زیادی خورده، اگرچه منافعی از جمله جذابیت ظاهری و... ترک‌ها نیز نصیب آن شده است.

فروش روزهای نخست فیلم آنقدر پروپاگاندا به پا کرده که عناوینی چون شکستن رکورد افتتاحیه و فروش ۱۳ میلیاردی آن حسابی مخاطبان آن را پیش از تماشا تحت تاثیر قرار می‌دهد مضاف بر اینکه نهادهای دولتی و وابسته به سازمان سینمایی نیز از شکست انحصار فیلم‌های کمدی و فروش میلیاردی روزهای نخست یک فیلم غیرکمدی به شدت استقبال کرده‌اند. اما واقعا چرا «مست عشق» فارغ از کیفیت هنری در هفته نخست خود چنین رکورد شکن بوده است؟ استدلال نخست برای این رخداد شاید به بیگ پروداکشن بودن آن مربوط باشد. مردم ایران اصولا از آثاری که بازیگران مشهور و معروفی داشته باشد، هزینه زیادی برای ساخت آن شده باشد و همچنین حواشی جذابی داشته و چندین و چندبار توقیف و متوقف و بالاخره اکران شوند، استقبال می‌کنند و اصولا سازندگان نیز با این نوع تبلیغات و رونمایی عطش خوبی برای تماشای فیلم ایجاد کرده‌اند به نحوی که تبلیغات «مست عشق» و پروپاگاندای پیرامون آن بیش از خود آن در وهله اول مورد توجه و جلب نظر قرار گرفته است.

دلیل دوم فروش بالای این فیلم، مشارکت ایران با ترکیه برای ساخت آن بوده است، شیوع و بروز سریال‌های ترکیه‌ای در همه جای جهان به خصوص خانواده‌های ایرانی امر بدیهی و روشنی است که نمی‌توان از آن غافل شد و آن را دلیل استقبال و گرایش خانواده‌های ایرانی برای تماشای چنین اثری تصور نکرد. برای مثال، در نظر بگیرید این پروژه به جای ترکیه با عراق مشارکت داشت، مطمئنا حجم استقبال تا این حد نبود چراکه سریال «آمرلی» که به نوعی یک پروژه مشترک میان عراق و ایران است به شدت در جلب مخاطب به مشکل برخورد کرد؛ پس در وهله دوم می‌توان این طور برداشت کرد که انتظار مخاطب از تماشای «مست عشق» اثری با دورنمایه‌های ترکی و سریال‌های عاطفی و اروتیک آن کشور است که به نظر روی تمرکز و گرایش حسن فتحی نیز این نکته، تاثیر سوئی گذاشته است به طوری که او به عنوان یکی از ایرانی‌ترین فیلمسازان معاصر که حتی به جانشین خلف مرحوم علی حاتمی نیز ملقب شده بود را تا این اندازه به آب و رنگ‌های مبتذل و غیرایرانی شبیه و نزدیک کرده است.

شهاب حسینی که یکی از باکیفیت‌ترین و محبوب‌ترین بازیگران نسل بعد از انقلاب سینمای ایران است در «مست عشق» به دلیل فیلمنامه ضعیف و اجرای متوسط، یکی از ضعیف‌ترین و تکراری‌ترین بازی‌هایش را ارائه داده است. با وجود اینکه شمایل شمس در سینما و تلویزیون ایران ناآشنا به نظر می‌رسد، شمس در «مست عشق» بیش از اینکه تداعی‌گر این شخصیت تاریخی و عرفانی باشد، یادآور شمایل حضرت موسی(ع) در فیلم «ده فرمان» است که با ریش بلند و عصا به دست تصویر شده بود.

در مجموع، «مست عشق» به دلیل پرداخت ضعیف، سطحی و دم دستی به مضامین عمیقی چون عشق و مذهب اثری نه چندان قابل توجه در کارنامه حسن فتحی محسوب می‌شود که به دلایل ذکر شده که بیشتر به ایرادات فیلمنامه‌ای مربوط می‌شود فاقد مرجعیت هنری برای به تصویر کشیدن ماجرای مولانا و شمس به شمار می‌آید. فیلمی که به نظر می‌رسد اگر وجوه بومی و ایرانی آن بیشتر بود، موفق‌تر می‌شد و حالا با وجود این حجم از شلختگی در روایت، جلوه‌گری در اجرا و ناتوانی در ابراز مضامین اصلی به فیلمی یکبار مصرف و غیرماندگار در سینمای ایران بدل می‌شود. بعید نیست استقبال چشمگیر از فیلم در روزهای نخست با گذشت زمان، شیب کمتری پیدا کند و با عنوان پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی سال که نصیب این فیلم می‌شود، عناوین بالاتری چون پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را تصاحب کند. البته ناگفته نماند که فروش چندده میلیاردی فیلم با بلیط متوسط ۶۰ تا ۸۰ هزار تومانی صورت گرفته و از هزینه‌های سرسام‌آور تولید آن نیز نباید غافل شد.